

نگرشی به برخی از مواد قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و مجازات جرایم نیروهای مسلح

مسین پشתיبان
(کارشناس علوم قضائی)

مجدد، حکم اخراج آنان نیز کان لم یکن می‌گردد.

ماده ۱۰۰: «منتسب»، وضعیت پرسنلی است که در یکی از حالت‌های زیر از یگان خدمتی خود منفک گردیده و در اختیار آجودانی نیرو یا سازمان مربوط یا آجودانی ستاد مشترک قرار می‌گیرند و کلیه عملیات پرسنلی آنان در مدت انتساب برعهده آجودانی‌های مزبور می‌باشد. مدت انتساب جزء مدت خدمت برای ترفیع منظور می‌گردد، باستثنای پرسنل مفقودالاثر که موکول به تعیین تکلیف آنان است.

الف - پرسنلی که به واسطه حذف یا انحلال محل سازمانی موقتاً بدون شغل می‌شوند؛ که در این صورت نیرو یا سازمان مربوط موظفند حداکثر تا سه ماه وضعیت شغلی این قبیل پرسنل را روشن نمایند.

ب - پرسنلی که به‌دست دشمنان خارجی اسیر گردیده یا توسط ضد انقلاب یا اشرار یا سارقین مسلح و یا قاچاقچیان به گروگان گرفته شده باشند، برای تمام مدت اسارت یا در گروگان بودن و حداکثر تا شش ماه پس از آزادی، نیرو یا سازمان مربوط موظف است ظرف مدت مزبور وضعیت این قبیل پرسنل را روشن نماید.

کیفری مربوط محاکمه شده و فقط در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد، حکم اخراج نیز کان لم یکن خواهد شد. در صورتی که محاکمه غیابی انجام گردد، پرسنل می‌توانند پس از حضور به حکم صادره اعتراض نموده و در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا منع پیگرد در رسیدگی

وضعیت خدمتی پرسنل کادر ثابت که مرتکب فرار از خدمت شده‌اند، به شرح ذیل خواهد بود:

الف - در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا قرار منع پیگرد، ایام غیبت و فرار به انتساب تبدیل خواهد شد.

ب - در صورت محکومیت به مجازاتی که مستلزم اخراج از خدمت نباشد، ایام غیبت و فرار جزء خدمت محسوب نمی‌گردد.

ج - در صورت محکومیت به مجازاتی که مستلزم اخراج از خدمت باشد، از تاریخ قطعیت رأی اخراج خواهند شد.

اول - بررسی مادتين ۹۶ و ۱۰۰ قانون «آجا» مصوبه ۱۳۶۶/۷/۷ مجلس شورای اسلامی:

ماده ۹۶: «فراری»، وضع پرسنلی است که مدت غیبت آنان در زمان صلح از پانزده روز، و در زمان جنگ از ۵ روز تجاوز نماید. حقوق و مزایای این قبیل پرسنل از تاریخ غیبت قطع می‌گردد و پرسنل فراری پس از معرفی یا دستگیری، بلافاصله شروع به خدمت نموده و به اتهام فرار آنان برابر مقررات کیفری مربوطه رسیدگی می‌شود. وضعیت خدمتی پرسنل کادر ثابت که مرتکب فرار از خدمت شده‌اند، به شرح ذیل خواهد بود:

الف - در صورت صدور رأی برائت یا قرار موقوفی تعقیب یا قرار منع پیگرد، ایام غیبت و فرار به انتساب تبدیل خواهد شد.

ب - در صورت محکومیت به مجازاتی که مستلزم اخراج از خدمت نباشد، ایام غیبت و فرار جزء خدمت محسوب نمی‌گردد.

ج - در صورت محکومیت به مجازاتی که مستلزم اخراج از خدمت باشد، از تاریخ قطعیت رأی اخراج خواهند شد.

تبصره: هرگاه مدت فرار پرسنل کادر ثابت بالغ بر شش ماه گردد، از زمان آغاز غیبت اخراج می‌گردند و پس از آن برابر مقررات

حال آنکه برابر مقررات ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار موقوفی تعقیب در موارد ذیل صادر می‌شود و منشا و علت صدور آن با آرای منع تعقیب و برائت بسیار متفاوت می‌باشد. فوت و جنون متهم، گذشت شاکی (در جرایم قابل گذشت)، عفو عمومی و مرور زمان. ضمن اینکه استاد ارجمند دکتر محمود آخوندی در دو مورد دیگر نسخ قانون جزا و اعتبار امر مختومه را که هر دو از مصادیق بارز سقوط دعوی عمومی می‌باشد، در شمار علل و جهات توقیف تعقیب دانسته است. (۱)

با عنایت به علل عنوان شده در صدور قرار موقوفی تعقیب، مشاهده می‌گردد که وجوه مذکور از نظر ماهیت با دلایل صدور آرای منع تعقیب و برائت متفاوت می‌باشد و یکسان دانستن آثار حقوقی هر سه آرا با توجه به عدم ملاک واحد و یکسان، خلاف موازین حقوقی و عدالت به نظر می‌رسد.

با ذکر دو مثال که اولی ناظر بر بند «ه» از ماده ۱۰۰ و دومی مربوط به بند «الف» از ماده ۹۶ قانون «آجا» می‌باشد، اشکال مطرح شده، به نحو روشنتری بیان می‌گردد.

– مثال اول: شخصی (ارتشی) به اتهام صدور چک بلامحل تحت تعقیب مرجع قضایی واقع گردیده و به علت عجز از تأمین مبلغ وجه الضمان صادر شده به دستور قاضی در بازداشت بسر می‌برد، لکن پس از مدتی شاکی (به دلایلی) گذشت خود را اعلام و مرجع قضایی بناچار قرار موقوفی تعقیب را صادر نموده، و پرونده مختومه می‌گردد. حال آنکه شخص آزاد شده از مصادیق بند «ه» در ماده ۱۰۰ می‌باشد. آیا این با عدالت سازگار است که نامبرده نسبت به ایام مدت بازداشت (که گاه ماهها به طول می‌انجامد) که بر اثر عمل مجرمانه خود حادث گردیده، بمانند افراد حاضر به خدمت حقوق و مزایای کامل دریافت دارد؟ مسلماً خیر.

– مثال دوم: پرسنلی که به اتهام فرار از خدمت تحت تعقیب مرجع قضایی می‌باشد و چه بسا سالها از زمان فرار وی گذشته ولی

برابر ماده ۹۹ قانون «آجا»، عنوان «بدون کار»، شامل وضعیت پرسنلی است که به یکی از علل زیر موقتاً از کار برکنار می‌گردند:

الف - به موجب قرارهای صادرشده از مراجع ذیصلاح قضایی بازداشت شوند.

ب - برابر احکام صادرشده از دادگاههای صالح زندانی شوند.

ج - به علت عدم پرداخت محکوم به یا بدهی، منجر به صدور اجرائیه زندانی شوند.

د - به علت ارتکاب تخلفات انضباطی بدونکار شوند.

ه - در صورتی که محکوم به اقامت اجباری یا ممنوع از اقامت در محل معین شوند

منتسب، بر مبنای حقوق و مزایای مستمر پرسنل حاضر به خدمت همپراز و مزایای آخرین شغل آنان محاسبه می‌گردد.

در بررسی بند «الف» ماده ۹۶ و بند «ه» از ماده ۱۰۰، به نظر می‌رسد که قانونگذار در تدوین قسمتی از مقررات مواد مذکور بتسامح آثار حقوقی آرای منع پیگرد و برائت صادره از مراجع قضایی را از لحاظ برخورداری از حقوق و مزایا و همچنین احتساب مدت انتساب از جهت ترفیع) با رأی موقوفی تعقیب یکسان دانسته و در برخورد با هر سه آرا، برخلاف موازین حقوقی، دیدگاهی مشابه اتخاذ نموده باشد. لیکن در واقع، بایستی که بین آثار رأی موقوفی تعقیب با آرای منع پیگرد و برائت قائل به تفکیک شد و رویه‌های گوناگونی اتخاذ نمود. زمانی رأی موقوفی تعقیب می‌تواند از لحاظ آثار حقوقی همپراز آرای منع تعقیب و تیره قرار گیرد که هر سه آرای تابع یک ملاک واحد بوده باشند و آن، بیگناهی متهم یا از حیث عدم توجه اتهام به وی یا جرم نبودن عمل انتسابی) می‌باشد.

ج - پرسنل مفقودالائری که در نبرد با دشمنان خارجی یا رویارویی با ضدانقلاب یا اشراک یا سارقین مسلح و یا قاچاقچیان ناپدید شده و وضع آنان نامعلوم است تا تعیین وضعیت.

د - پرسنلی که به لحاظ بیماری بیش از چهار ماه بستری می‌گردند، حداکثر تا یکسال.

ه - مدت بدونکاری پرسنل موضوع بند «الف» از ماده ۹۹ این قانون، در صورت صدور رأی برائت، قرار موقوفی تعقیب یا قرار منع پیگرد.

تبصره: پرسنل مأمور و مأمور به خدمت بیش از شش ماه و همچنین، محصلینی که در طول خدمت به دوره‌های آموزشی بیش از شش ماه اعزام می‌گردند، در حکم منتسب خواهند بود.

قبل از آغاز بحث به دلیل ارتباط موضوع لازم است معنای عبارت «بدون کار» مندرج در بند «ه» و اثرات وضعی انتساب مذکور در ماده ۱۰۰، با استفاده از عبارات قانونی تعریف گردد.

برابر ماده ۹۹ قانون «آجا»، عنوان «بدون کار»، شامل وضعیت پرسنلی است که به یکی از علل زیر موقتاً از کار برکنار می‌گردند:

الف - به موجب قرارهای صادرشده از مراجع ذیصلاح قضایی بازداشت شوند.

ب - برابر احکام صادرشده از دادگاههای صالح زندانی شوند.

ج - به علت عدم پرداخت محکوم به یا بدهی، منجر به صدور اجرائیه زندانی شوند.

د - به علت ارتکاب تخلفات انضباطی بدونکار شوند.

ه - در صورتی که محکوم به اقامت اجباری یا ممنوع از اقامت در محل معین شوند.

همچنین برابر مادتين ۱۰۰ و ۱۴۵ قانون «آجا»:

مدت انتساب جزء مدت خدمت برای ترفیع منظور می‌گردد (با استثنای پرسنل مفقودالائری) و میزان دریافتی ماهانه پرسنل

به دلایلی از جمله عدم دسترسی، پرونده اتهامی او منجر به صدور حکم نگردیده است. حال فرض نمایید که به مرجع قضایی اطلاع می دهند که متهم فوت نموده است، آیا وفق مقررات برای مرجع قضایی چاره‌ای جز صدور قرار موقوفی تعقیب وجود دارد؟ آیا این مسئله فی نفسه صحیح است که ورثه متهم به استناد بند «الف» از ماده ۹۶ قانون «آجا»، برای مدت فرار که گاهی سالها به طول انجامیده است، استحقاق دریافت حقوق و مزایای کامل متهم را داشته باشند و تقاضای آن را بنمایند و همچنین از تاریخ فوت، مستحق دریافت حقوق مستمری باشند؟ البته خیر.

ناگفته نماند که اشکالهای مطرح شده، بنوعی در قانون مقررات استخدامی سپاه و قانون مقررات استخدامی نیروهای انتظامی، به ترتیب مصوب ۷۰/۷/۲۱ و ۷۴/۴/۲۷ نیز وجود دارد، لکن با این تفاوت که در قانون نیروی انتظامی در مورد پرسنل فراری بیش از شش ماه، مقنن ابتکار جالبی اتخاذ نموده که قابل تأمل بوده، نیاز به تحلیلی جداگانه دارد. دوم - راجع به ابهامات موجود در ماده ۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۷۱/۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی می باشد. ماده ۴ مذکور به شرح ذیل است:

«پرسنل کادر نظامی که به موجب احکام قطعی دادگاهها به مجازاتهای زیر محکوم شوند، از خدمت در نیروهای مسلح اخراج خواهند شد:

- ۱- محکومیت یا محکومیت‌های (در صورت تعدد) به حبس غیر تعلیقی زاید بر دو سال.
- ۲- محکومیت به حدود.
- ۳- محکومیت به سبب ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور.
- ۴- محکومیت به سبب ارتکاب جرایم عمدی مستوجب قصاص نفس یا عضو».

تبصره - در صورت وجود شرایط خاص خدمتی و عدم مصلحت اخراج، با تقاضای فرمانده مربوطه، دادگاه می تواند با ذکر دلایل و تصریح در متن حکم از اجرای اثر تبعی حکم

جلوگیری نماید.

الف- اولین اشکال، ابهام موجود در بند ۳ است. و از آنجا که مصادیق جرایم مذکور عنوان نگردیده و یا امکان آن وجود نداشته، در اجرا، نیروهای مسلح را با مشکل مواجه می نماید.

فصل دوم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تحت عنوان «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» آمده و از ماده ۸ تا ۱۴ قانون مذکور، به ذکر بعضی از مصادیق عنوان فوق اختصاص یافته است.

در نظر اول، ممکن است ابهام موجود در بند ۳ از ماده ۴ بدین گونه مرتفع گردد که:

جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در فصل دوم قانون م.ج.ن.م، احصا گردیده، لذا بصرف محکومیت فرد نظامی به استناد یکی از مواد ۸ تا ۱۴ قانون موصوف؛ صدور امریه اخراج محکوم علیه به استناد بند ۳ ماده ۴ از سوی نیروی مربوطه، امری الزامی و بدیهی است و بدون هیچ گونه ابهامی قابلیت اجرا خواهد داشت.

این برهان به نحو اطلاق با توجه به مفاد بند

«پرسنل کادر نظامی که به

موجب احکام قطعی دادگاهها

به مجازاتهای زیر محکوم

شوند، از خدمت در نیروهای

مسلح اخراج خواهند شد:

۱- محکومیت یا

محکومیت‌های (در صورت

تعدد) به حبس غیر تعلیقی

(زاید بر دو سال).

۲- محکومیت به حدود.

۳- محکومیت به سبب

ارتکاب جرایم علیه امنیت

داخلی و خارجی کشور.

۴- محکومیت به سبب

ارتکاب جرایم عمدی

مستوجب قصاص نفس یا

عضو».

۳ از ماده ۱۳(۲) و بخصوص ماده ۱۴(۲) قانون موصوف، به دلیل مخالفت با روح حاکم بر قانون، مخدوش به نظر می رسد. اگرچه ماده ۱۴ و بند ۳ از ماده ۱۳ زیرمجموعه فصل دوم و تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می باشد. لیکن اخراج پرسنل به استناد مقررات مذکور خلاف منظور قانونگذار و عدالت می باشد. لذا قبول نظریه مبنی بر احصای مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، در فصل سوم قانون "م.ج.ن.م"، به نحو اطلاق صحیح نبوده و نیروهای مسلح از قبول این نظریه گریزی ندارند (برخلاف عدالت) نسبت به صدور امریه اخراج نظامیانی که به استناد ماده ۱۴ و به اتهام افشا یا فقدان اسناد طبقه بندی شده (بر اثر بی احتیاطی) محکوم گردیده اند، برابر مقررات بند ۳ از ماده ۴ اقدام نمایند. چراکه ماده ۱۴، از مصادیق عنوان شده در فصل سوم "ق.م.ج.ن.م"، تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می باشد.

از طرف دیگر، چنانچه نیروهای مسلح قائل به تفکیک گردند و محکومین را به استناد ماده ۱۴ را از شمول فصل سوم خارج بدانند و پرسنل موصوف را اخراج نمایند - اگرچه این عمل نیکو و وفق روح قانون است - لیکن بظاهر خلاف مقررات بوده، محل اشکال است و چه بسا باعث تسری و افزایش تفاسیر شخصی در دیگر مواد قانونی (مندرج در فصل سوم) از قانون ذکر شده گردد. و در موارد دیگری که اخراج نظامیان لازم و ضروری است، با تفسیر مواد فوق از اخراج آنان جلوگیری نمایند.

اشکال عنوان شده در بند ۳ از ماده ۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نسبت به نظامیانی که مستند به مقررات فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۷۵/۳/۶ تحت عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی» محکومیت حاصل می نمایند نیز، مشهود بوده و در مقام اجرا بخصوص با توجه

به مفاد مقررات مواد ۵۰۰ (۴) و ذیل ماده ۵۰۴ (۵) و ۵۰۶ (۶)، مشکلات مطرح شده را دربر خواهد داشت.

ب: با بررسی عبارت «عضو»، مذکور در بند ۴ ماده ق.م.ج.ن.م، درباره عبارت «قصاص نفس» مندرج در بند فوق، کاملاً واضح می‌شود که نظامیان محکوم به قصاص نفس (که یک عمل مشخص و بدون ابهام است) از خدمت در نیروهای مسلح اخراج می‌شوند، لیکن راجع به نظامیانی که به جرم قصاص عضو، به محکومیت می‌رسند - به دلیل اینکه قصاص عضو ممکن است قطع عضو یا جرح آن باشد - لذا با توجه به نوع قصاص و مقدار و چگونگی آن اعم از قطع و جرح، اخراج آنان محل تأمل بیشتری را می‌طلبد و رعایت جانب و احتیاط بیشتری را در این مورد اقتضا می‌کند.

در تأیید اینکه قصاص عضو می‌تواند حسب مورد، ناظر بر قطع یا جرح عضو باشد؛ دو ماده ۲۶۹ و ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۱۷ اشعار می‌دارند که:

ماده ۲۶۹: «قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد، موجب قصاص است و حسب مورد مجنی‌علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید.»

ماده ۲۷۶: «جرمی که به عنوان قصاص وارد می‌کنند، باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوی در عمق نیز لازم است.»

تبصره - در جراحات موضحه (۷) و سمحاق (۷)، تساوی در عمق شرط نیست و مماثلت عرضی کافی است.

لذا با عنایت به هر دو ماده فوق، و توجه به اطلاق عبارت «عضو» در بند ۴ از ماده ۴ ق.م.ج.ن.م، هر نوع حکم قصاص عضو - اعم از قطع یا جرح - مشمول مقررات بند مذکور بوده و اخراج محکومین نظامی به مجازات ذکر شده از نیروهای مسلح، ظاهراً امری جرمی و ضروری به نظر می‌رسد. ولی آیا واقعاً نیت و

مقصود حقیقی قانونگذار عادل در هنگام وضع مقررات بند ۴ از ماده ۴ ق.م.ج.ن.م، این بوده که نظامیانی که به جهت ایراد جرح یک خراش (۷) یا شکستن یک دندان (۸) یا بریدن قسمت کوچکی از لاله گوش، محکوم به قصاص همان عضو می‌گردند، به تبع حکم صادر شده از خدمت در نیروهای مسلح اخراج گردند. بعید به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد، هر چند که با توجه به ظاهر قانون و اطلاق عبارت عضو در بند فوق، اقتضای پاسخ مثبت فراهم است.

شاید راهکار مناسب حذف عبارت مذکور از بند ۴ و اکتفا به قصاص نفس یا اضافه نمودن قیدی به عبارت عضو (مثل عضو که دیه آن دیه کامل و یا بیش از نصف دیه کامل باشد که در نهایت به عدالت و روح قانون مقرون تر است) باشد.

پی نوشتها:

۱ - آیین دادرسی کیفری، آخوندی، دکتر محمود، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲ - ماده ۱۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۷، به شرح ذیل است:

ماده ۱۳: «هر نظامی که اسناد یا تصمیمات طبقه بندی شده را در اختیار کسانی که صلاحیت اطلاع نسبت به آن را ندارند، فرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد، به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

۱ - هرگاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان 'بکلی سری' داشته باشد، به حبس از سه تا پانزده سال.

۲ - هرگاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان 'سری' داشته باشد، به حبس از دو تا ده سال.

۳ - هرگاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان 'خیلی محرمانه' داشته باشد، به حبس از دو ماه تا یکسال.

تبصره ۱ -

تبصره ۲ -

تبصره ۳ -

تبصره ۴ -

۳ - ماده ۱۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به شرح ذیل است: «هر نظامی که بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالائی یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشا یا فقدان اسناد مذکور در ماده ۱۳ شود، با توجه به طبقه بندی اسناد افشا شده، به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

۱ - هرگاه سند یا مذاکرات عنوان 'بکلی سری' داشته

باشد، به حبس از سه ماه تا یکسال.

۲ - هرگاه سند یا مذاکرات عنوان 'سری' داشته باشد، به حبس از دو ماه تا شش ماه.

۳ - هرگاه سند یا مذاکرات عنوان 'خیلی محرمانه' داشته باشد، به حبس از یک ماه تا سه ماه.»

۴ - ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷، به شرح ذیل است: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام، به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

۵ - ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷، به شرح ذیل است: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک مؤثر به عسیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند، در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می‌شود و الا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود، از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»

۶ - ماده ۵۰۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷، به شرح ذیل است: «چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است، در اثر بی مبالائی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.»

۷ - ماده ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۵۸/۵/۷۰ مجلس شورای اسلامی به شرح ذیل است: «دیه جراحات سر و صورت به ترتیب زیر است:

۱ - حارصه: خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود، یک شتر.

۲ - دامیه: خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد، کم یا زیاد، دو شتر.

۳ - متلاحمه: جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود، لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه شتر.

۴ - سمحاق: جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی آن برسد، چهار شتر.

۵ - موضحه: جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کند، پنج شتر.

۶ -

۸ - ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۵۸/۵/۷۰ مجلس شورای اسلامی به شرح ذیل است: «هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند، با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود.

تبصره: